

# لافونتن در کلاس درس

## بازی‌ها و فعالیت‌هایی خلاقیت‌محور بر مبنای تمثیل‌ها و افسانه‌های «لافونتن» برای توسعه‌ی سواد خواندن در میان دانش‌آموزان دبستانی

مرتضی مجدفر

### سرآغاز

اگر خواننده‌ی مستمر دوره‌ی دوازدهم مجله در سال تحصیلی ۱۳۸۷-۸۸ بوده باشید، به‌طور قطع سلسله مطالب «ازوپ در کلاس درس» را خوانده‌اید. در این مجموعه کارها، بر مبنای تمثیل‌ها و افسانه‌های ازوپ، بازی‌ها و فعالیت‌هایی خلاقیت‌محور برای دانش‌آموزان کلاس‌های چهارم و پنجم ابتدایی فراهم شده بود. هدف از تدوین مجموعه‌ی یاد شده توسعه‌ی سواد خواندن بین دانش‌آموزان دوره‌ی ابتدایی و تقویت مطالعه‌ی کتاب‌های غیردرسی از طریق آشنا ساختن فراگیرندگان با نمونه‌های برجسته‌ی فولکلور، فرهنگ و ادبیات تمامی ملل جهان بود. «تمثیل‌های ازوپ»، از آثاری بود که وزارت آموزش و پرورش جمهوری آذربایجان در قالب سلسله کتاب‌های «۱۰۰ مجموعه داستان دوست‌داشتنی»، برای استفاده‌ی دانشجویان رشته‌ی برنامه‌ریزی درسی ملی، تدوین و به چاپ سپرده است. ما این مجموعه را به‌عنوان الگو در نظر گرفتیم و با تغییراتی، سلسله مطالب «ازوپ در کلاس درس» را تقدیم خوانندگان کردیم. شیوه‌ی کار به این صورت بود که نوشته‌ها (شامل متن افسانه و پرسش‌های چندگزینه‌ای) پس از ترجمه، براساس برنامه‌های درسی دوره‌ی ابتدایی (به‌ویژه کتاب‌های بخوانیم و بنویسیم پایه‌های چهارم و پنجم ابتدایی) و راهکارهایی که بر مبنای طرح پرلز برای توسعه‌ی سواد خواندن در میان کودکان ایرانی توصیه شده است، بازآفرینی و از نو تألیف شدند. سپس بر مبنای ویژگی‌های فرهنگی دانش‌آموزان ایرانی، در پایان هر داستان و برای درک عمیق محتوای مطالعه‌شده و به یادسپاری

اثربخش آن‌ها، فعالیت‌ها، تکالیف و پرسش‌هایی طرح شدند که عموماً واگرا و فعالیت‌هایی خلاقانه هستند.

هم‌چنین، دو فعالیت تکمیلی دیگر در قالب «نقشه‌ی داستان» و «کلمه‌ها و ترکیبات تازه» به مجموعه اضافه شد که مانند پرسش‌های واگرا، در متن اصلی نبود. در این دو فعالیت، از خوانندگان داستان (دانش‌آموزان) انتظار می‌رود، پس از مطالعه‌ی داستان، اتفاقات، رویدادها و حوادث آن را دسته‌بندی کنند و به پرسش‌هایی درباره‌ی قهرمانان داستان، مکان‌ها، خط سیر زمانی و ابزارها و وسایل موجود در داستان پاسخ گویند. هم‌چنین، آنان باید پیوستگی بین رویدادها و حوادث داستان را بازنمای کنند؛ کلماتی را که برای نخستین بار در متن با آن‌ها روبه‌رو شده‌اند، مشخص سازند و معنای آن‌ها را با کلمات دیگری که می‌شناسند، نشان دهند. این گونه است که آن‌ها موفق خواهند شد، نقشه‌ی مفهومی یادگیری داستان را برای خود ترسیم کنند. این روش، به شکل اثربخش به توسعه‌ی سواد خواندن در دانش‌آموزان یاری می‌رساند.

سال قبل در هفت قسمت، «ازوپ» را به کلاس درس آوردیم. امسال در نظر داریم متن تمثیل‌ها و افسانه‌های لافونتن را «آموزشی» کنیم. شیوه‌ی کار، دقیقاً همان‌طور است که سال قبل در مورد «ازوپ» اعمال شد. با این تفاوت که مقدمه‌ی شماره‌ی ۱ دوره‌ی دوازدهم (مهرماه ۱۳۸۷) را که به شرح مبنای کار اختصاص داشت، مجدداً تکرار نمی‌کنیم و از خوانندگان علاقه‌مند درخواست می‌کنیم، برای آشنایی بیش‌تر با کار، حتماً مطالب صفحات ۸ تا ۱۱ رشد آموزش ابتدایی مهر ۱۳۸۷ را مطالعه کنند. هم‌چنین، از خوانندگان محترمی که با تماس‌ها و نامه‌های خود، خواهان ادامه‌ی انتشار این سلسله مطالب شده‌اند، سپاس‌گزاریم. امسال سؤالات را قدری کامل‌تر ارائه خواهیم کرد. لطفاً قصه را برای بچه‌ها بخوانید و با آن‌ها درباره‌ی پرسش‌ها و تمرین‌ها گفت‌وگو کنید. ما هم خوش‌حال می‌شویم که از بازتاب نظرات شما در این زمینه آگاه شویم.

در این شماره، به غیر از آشنایی کوتاهی با لافونتن، تنها یک تمثیل و تمرین‌های مربوط به آن را آورده‌ایم.

## لافونتن کیست؟

نویسنده‌ی فرانسوی ژان دو لافونتن<sup>۱</sup> در ادبیات جهان با تمثیل‌های بی‌مانند خود مشهور شده است. او در سال ۱۶۶۱ میلادی، در روستای شاتوتیری در ۶۴ کیلومتری پاریس، در خانواده‌ای مرفه به دنیا آمد. در پاریس، در رشته‌ی حقوق به تحصیلات عالی پرداخت، ولی خانواده‌اش دوست داشت او به کسوت کشیشی درآید. از این رو، لافونتن به کلیسا رفت. البته ماندنش در آن‌جا هم دیری نپایید. در تحصیل نیز نتوانست موفق شود. بنابراین مجبور شد مانند پدرش به کشاورزی و آبیاری بپردازد. او مرتب تغییر شغل می‌داد و زندگی‌اش روند یکنواختی نداشت.

در سال ۱۶۷۳، توسط یک خانم فرانسوی به نشست گروهی از اهل علم، فیلسوفان و نویسندگان راه یافت و به توصیه‌های آن‌ها، اولین داستان‌های تمثیلی خود را نوشت. او مفاهیم موضوعات آثار خود را از منابع کهن شرقی الهام می‌گرفت. در آثار او، تأثیر داستان‌های کلیله و دمنه به خوبی مشهود است.

لافونتن می‌کوشد در آثار خود چپستی و چرایی زشتی‌ها را به تصویر بکشد و از این میان، به دنبال آن است که مخاطبان آثار وی، زیبایی‌ها را درک کنند. او عقیده داشت، ادبیات و هنر باید در خدمت اخلاق قرار گیرد و نوشته‌ی ادبی بدون نتیجه‌گیری اخلاقی را فاقد ارزش می‌دانست.

یکی از دلایل مطرح شدن لافونتن در زمان خود و ثبت نام او در تاریخ ادبیات، سبک جدید او در انتقال مسائل اخلاقی بود. این نویسنده برخلاف پیشینیان خود، آموزش اخلاق، آداب و ارزش‌ها از طریق خطابه‌نویسی و تألیف رساله را کنار گذاشت و از نخستین کسانی بود که کاربرد آموزشی ادبیات سرگرم‌کننده را امتحان کرد. لافونتن اخلاقیات را در نمایش‌نامه‌ها و حکایت‌های جذاب خود گنجانده و در نوشته‌هایش از طنز بهره برد. طنز و کمدی، پیش از او، در فرانسه (و نیز اروپا)، بیش‌تر به نمایش‌ها و نوشته‌های غیراخلاقی مربوط بود و کاربرد ادبیات طنز، برای نمایش‌های اخلاق‌مدار چندان کاربرد نداشت.



لافونتن به غیر از تمثیل‌های فراوانی که از خود به یادگار گذاشته، رمان، نمایش‌نامه و شعر هم نوشته است. آثار لافونتن به بسیاری از زبان‌های دنیا ترجمه شده است و بسیاری از نویسندگان نیز کوشیده‌اند از این کتاب‌ها در قالب کتاب‌های کودک و نوجوان استفاده کنند.

آثار او به زبان فارسی نیز ترجمه شده‌اند. از مهم‌ترین ترجمه‌هایی که از لافونتن در دسترس است، می‌توان سه اثر را نام برد:

- قصه‌های لافونتن، ترجمه‌ی نیر سعیدی، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، سال انتشار ۱۳۴۲.
- داستان‌های لافونتن، ترجمه‌ی احمد نفیسی، انتشارات تهران، سال انتشار ۱۳۷۲ (تجدیدچاپ ۱۳۸۵).
- افسانه‌های لافونتن، ترجمه‌ی عبدالله توکل، نشر مرکز، سال انتشار ۱۳۸۰.

در تاریخ ادبیات، به غیر از لافونتن فرانسوی، چند لافونتن معروف دیگر هم داریم که مهم‌ترین آن‌ها، آگوست هاینریش لافونتن، رمان‌نویس ادبیات عامه‌پسند قرن هجدهم آلمان (۱۷۵۸ تا ۱۸۳۱م) است که در کشور خود محبوبیت فراوانی دارد.

لافونتن فرانسوی، در سال ۱۶۹۵ میلادی در پاریس فوت کرد و در همان شهر نیز به خاک سپرده شد.



## اسبی که از آهو انتقام گرفت

کرد و گفت: «خیلی ممنون که انتقام مرا از آهو گرفتی. اکنون باید به بیشه‌زار بروم و سر کار و زندگی‌ام برگردم. آهو هم که نیست، خدا را شکر.»

آدمیزاد مخالفت کرد و گفت: «هیچ هم این‌طور نیست. نمی‌توانم تو را رها کنم. تازه فهمیده‌ام با تو چه‌ها که نمی‌توانم بکنم. تو می‌توانی در هر کاری کمک کار من باشی. تازه، خانه‌ی من از بیشه‌زار ناامن و بدون سقف راحت‌تر است و تا دلت بخواهد برایت علف فراهم می‌کنم. با من بمان و مطمئن باش که به خوبی از تو نگهداری می‌کنم.»

اسب تا بخواهد سبک سنگین کند، کار از کار گذشت و آخوری تمیز، پر از جو و کاه، برایش آماده شد. او با خود فکر می‌کرد این راحتی و این همه خوردنی، در صورتی که آزادی نداشته باشد، چه ارزشی دارد؟ اسب دیر فهمیده بود چه خطای بزرگی مرتکب شده است و افسوس می‌خورد که چرا دنبال انتقام گرفتن از آهو بوده است.

اکنون او محکوم بود با افساری در دهان، زینی بر پشت و همیشه حاضر به براق، نزد آدمیزاد زندگی کند. این‌گونه بود که اسب، نه تنها خودش، بلکه تمام نسل‌های بعدی‌اش را برده‌ی آدمیزاد کرد.



### سه پرسش

۱. چه چیزی سبب شد آدمیزاد، اسب را اهلی کند؟

(الف) درخواست اسب.

(ب) درخواست آهو.

(ج) همکاری با اسب در انتقام گرفتن از آهو.

۲. به چه دلیل، اسب می‌خواست از آهو انتقام بگیرد؟

(الف) آهو او را عصبانی کرده بود.

(ب) آهو انسان را عصبانی کرده بود.

(ج) آهو نمی‌خواست با اسب در یک بیشه‌زار زندگی کند.

۳. آدمیزاد که آهو را دنبال کرده بود، بالاخره او را کجا از پا

درآورد؟

(الف) میان صخره‌ها.

(ب) در رودخانه.

(پ) در اعماق جنگل.

در زمان‌های قدیم، انسان‌ها هنوز اسب‌ها را اهلی نکرده بودند. از این‌رو اسب‌ها آزادانه در کوهسارها، جنگل‌ها و چمنزارها زندگی می‌کردند. انسان‌ها هم تنها به زور بازوی خود تکیه داشتند و بیش‌تر غذاهای خود را از درختان و گیاهان به‌دست می‌آوردند. آن‌ها نمی‌دانستند که می‌شود سوار بر اسب شد، بر دهانش افسار زد، بر پشتش زین گذاشت و او را به ارابه بست.

روزی از روزها، میانه‌ی آهو و اسب شکرآب شد. آهو، اسب را عصبانی کرد و او را دشمن خود ساخت. اسب برای انتقام از آهو، ساعت‌ها در بیشه‌زار دنبال‌اش کرد، ولی نتوانست او را بگیرد. اسب چون که دید در دویدن، حتی نمی‌تواند به گرد پای آهو برسد، دست به دامان آدمیزاد شد. او از انسان درخواست کمک کرد:

– چه می‌شود اگر کمکم کنی تا بتوانم از آهو انتقام بگیرم؟

و آدمیزاد راضی شد، ولی گفت: «برای این کار باید بر دهانت افسار بزنی و سوارت شوم.»

اسب پذیرفت. آدمیزاد بلافاصله از ریسمانی که در اختیارش بود، بر دهان اسب افسار زد. در چشم برهم زدن سوارش شد و با سرعت به سوی آهو حرکت کرد. آدمیزاد، تا آن‌جا که در توان داشت، آهو را دنبال کرد و در نهایت، در حالی که میان صخره‌های به هم پیوسته گرفتار شده بود، او را کشت.

کار به این‌جا که ختم شد، اسب به‌طور ویژه از آدمیزاد تشکر

## فکر کنید، پاسخ دهید.

اسب داستان، آزادی‌های خود را به خطر انداخته‌اید.

۹. با شنیدن کلمه‌ی «آزادی»، پنج واژه‌ای که به ذهنتان می‌رسد، چیست؟ این واژه‌ها را روی کاغذ بنویسید و با آن‌ها جمله‌ای زیبا بسازید.

۱۰. انشای کوتاهی بنویسید و در آن گفت‌وگوی یک اسب آزاد را با اسبی اسیر به تصویر بکشید (انتخاب محل زندگی اسب‌های آزاد و اسیر با خود شماست. مثلاً می‌توانید از اسب‌های مزرعه، اسب‌های سیرک یا اسب‌های میدان نقش جهان اصفهان در مقام اسب‌های آزاد یا اسیر یاد کنید).

۱۱. به نظر شما این داستان چه قدر با ضرب‌المثل «خودم کردم که لعنت بر خودم باد!» هم‌خوانی دارد؟ آیا ضرب‌المثل‌های مشابه دیگری در این زمینه سراغ دارید؟ (در این زمینه از پدربزرگ و مادربزرگ خود و نیز کتاب‌های معتبری که حاوی ضرب‌المثل‌های ایرانی است، کمک بگیرید).

۱۲. داستان را از جایی که اسب از انسان درخواست کمک می‌کند، با این فرض که آدمیزاد به اسب جواب منفی می‌دهد، بازنویسی کنید (اگر حوصله داشتید، داستان را به شکل‌های گوناگون به پایان برسانید).

زیرنویس

1. Jean de Lafontain

۱. چرا اسب نتوانست به خوبی فکر کند؟ به نظر شما مهم‌ترین مانع تفکر صحیح اسب چه بود؟

۲. اگر شما به جای اسب بودید، چگونه عمل می‌کردید؟

۳. اگر شما به جای آدمیزاد بودید، چه کارهایی را مانند او انجام

می‌دادید و از انجام چه کارهایی سر باز می‌زدید؟

۴. در این جا، مهم‌ترین ویژگی اسب انتقام‌جویی است. آیا

اسب می‌توانست به چیزی غیر از انتقام‌گیری از آهو فکر کند؟ نتیجه‌ی کینه‌توزی او چه شد؟

۵. در داستانی که خواندید، به علت اختلاف اسب و آهو

هیچ اشاره‌ای نشده است. به نظر شما چه چیزهایی می‌توانست عامل اختلاف اسب و آهو باشد؟ آیا اسب نمی‌توانست به غیر از

انتقام‌گیری، به شیوه‌ی دیگری مسئله‌ی خود را حل کند؟

۶. در داستان، از دو واژه‌ی «انسان» و «آدمیزاد» استفاده شده

است. به نظر شما چرا انسان و چرا آدمیزاد؟ فکر می‌کنید این دو با هم فرق دارند؟

۷. در متن، از اصطلاح «شکر آب شدن میانه‌ی آهو و اسب»

صحبت شده است. آیا می‌دانید معنی این اصطلاح چیست؟ درباره‌ی ریشه‌ی آن تحقیق کنید.

۸. آیا می‌توانید نمونه‌ای از آزادی‌های خودتان را نام ببرید؟

مثالی از زندگی روزمره‌ی خود بیاورید که در آن به نوعی شبیه

کلمه‌ها و ترکیباتی که برای نخستین بار در این داستان با آن‌ها آشنا شدی

معانی آن

کلمه (و یا ترکیب)

در مورد معنای هر کلمه، لافل یکی از فعالیت‌های زیر را انجام بده.

- با دوستان خود گفت و گو کن.
- با پدر و مادر بحث کن.
- درستی آن را با آموزگار کنترل کن.
- با مراجعه به لغت نامه، فرهنگ نامه و یا دایرةالمعارف، اطلاعات بیشتری به دست آور.



شخصیت‌های اصلی و فرعی داستان



حوادث و رویدادها



مکان



زمان

